



● آلن بک  
مترجم: معصومه امین

### استودیوی واحد نمایش

استودیوی واحد نمایش BBC معمولاً چهار اتاق دارد:  
- استودیوی اصلی ضبط یا استودیوی زنده،  
- اتاق مرده،  
- اتاق فرمان،  
- اتاق سبز.

این چهار اتاق میزبان هم ساخته شده اند تا صدا از دیوارها به سایر اتاق ها نفوذ نکند.

**استودیوی زنده:** جایی است که بیشترین ضبط نمایش در آن صورت می گیرد. این استودیو اصطلاحاً زنده خوانده می شود، چون در آنجا منابع واقعی صدا شکل حقیقی و زنده پیدا می کنند و صدا از منابع صوتی گوناگون به ارتعاش در می آید و سپس سعی می شود که به بهترین شکل ثبت و ضبط گردد. این استودیو برای حرکت بازیگران در اطراف میکروفون به اندازه کافی وسیع و جادار است. برای مثال: ابعاد استودیوی شماره سه «پیل میل» در بیرمنگام، جایی که نمایش کمان داران (The Archers) ضبط می شود، ۸×۱۲ متر و با ارتفاع چهار متر است.

### شناخت استودیوی نمایش

در این مقاله با اطلاعات فنی بسیاری آشنا می شوید. این اطلاعات را به مرور در اختیارتان می گذاریم تا دانش شما قدم به قدم افزایش یابد. در آغاز با نگاهی گذرا به انواع استودیوها، با دو نوع تولید نمایش رادیویی آشنا می شویم.  
- تولید در واحد نمایش رادیو: استودیوی واحد نمایش به بهترین نحو ممکن، صرفاً برای تولید نمایش مجهز و با دقت ساخته و پرداخته شده است.

- تولید پایه (تولید برنامه هایی با ساختار ساده) در یک استودیوی کوچک تک اتاقی: این نوع استودیوها در رادیوهای محلی BBC یا در رادیوهای خصوصی کاربرد دارند و به جهت آنکه بیشتر در برنامه هایی با حضور مجری و میهمان به کار می روند، به استودیوی گفت و گو نیز معروفند. اصطلاح «تولید پایه» (Basic production) ساخته نویسنده است. تولید پایه به تولید و تهیه برنامه در رادیوهای دانشگاه ها و مدارس که منابع محدودتری دارند نیز گفته می شود.

**استودیو یا اتاق مرده:** جایی است که انعکاس های صوتی را فرو می نشاند و برای صحنه های نمایشی در فضای باز کاربرد دارد. یکی از این نوع استودیوها در بیرمنگام دارای ابعاد ۳×۲ متر است. گاهی هم اتاق جداگانه ای با عنوان اتاق مرده وجود ندارد، اما منطقه ای به آن اختصاص می یابد، مانند آنچه در استودیوی اصلی بنگاه سخن پراکنی BBC موجود است.

**اتاق فرمان:** این اتاق به وسیله پنجره بزرگی مشرف به استودیوی زنده است. اتاق فرمان جایی است که در آن گفت و گوهای نمایشی، موسیقی و جلوه های صوتی در هم می آمیزند و تنظیم صداها، جلوه های صوتی و موسیقی روی میز فرمان انجام می شود، البته این کار بیشتر اوقات به مرحله پس از ضبط واگذار می گردد. کارگردان از

### عمق صوتی را بشناسید. و فرایند توقف یا

### حرکت شخصیت های نمایشی در اطراف

### میکروفون را که به ساختن تصویر صوتی منجر

### می شود، در ذهنتان مرور کنید. به این نکته

### ببندیشید که تصویر صوتی سه بعدی در روش

### استریو چگونه به وجود می آید

پشت پنجره این اتاق به بازیگران دستوراتی می دهد که اصطلاحاً به این کار واگویی (Talkbacks) فرامین می گویند. در رادیو، اغلب یک نفر به تنهایی عهده دار کارگردانی و تهیه کنندگی نمایش است.

**اتاق سبز:** اتاق استراحت بازیگران هنگام تولید نمایش و نیز اتاق کودکان و همراهان کودکان بازیگران است. زمانی که به حضور بازیگر در استودیوی ضبط نیازی نیست، وی می تواند به اتاق سبز برود و به استراحت بپردازد.

### گروه تولید کارگردان

-مدیر استودیو یا مدیر میز فرمان، این شخص کنار میز فرمان حضور دارد و مسئول فنی استودیوست.

-دستیار تولید، کسی است که بیشتر برنامه ریزی تولید و ضبط را بر عهده دارد و بیش از همه در هنگام ضبط نمایش، با بازیگران در ارتباط است و جزئیات برداشت های ضبط شده را یادداشت می کند. -متصدی جلوه های صوتی، کسی است که در اتاق فرمان زمان پخش جلوه های صوتی را اعلام می کند و آنها را عموماً از روی سی دی، دیسکت یا نوار کاست پخش و ضبط می کند. (در گذشته که

جلوه های صوتی از روی صفحات ۷۸ دور گرامافون پخش می شد، به متصدی جلوه های صوتی، متصدی گرام نیز گفته می شد.) -صدا ساز یا متصدی جلوه های صوتی درون استودیو، کسی است که در کنار بازیگران در استودیو کار می کند و جلوه های صوتی تک بخشی نظیر باز و بسته کردن در، صدای فنجان های چای، صدای پا و صداهای دیگر را می سازد. بازیگران نیز خود برخی از جلوه های صوتی را می آفرینند.

### تولید پایه

تولید پایه در دو اتاق، شامل استودیوی گفت و گو و اتاق فرمان که با یک پنجره از هم جدا شده اند، انجام می گیرد.

از این ساختار استودیویی در ایستگاه های رادیوی محلی، دانشکده ها و دانشگاه ها استفاده می شود. البته این ساختار ساده تر از این هم می تواند باشد. هم زمان با تحولاتی که به سبب فناوری نوین در تولید نمایش رادیویی ایجاد شده است، برخی از شاهکارهای نمایشی رادیو BBC نیز به همین روش تولید پایه خلق می شوند. گروه تولید پایه از این افراد تشکیل می شود: بازیگران، کارگردان، مدیر استودیو، متصدیان جلوه های صوتی در اتاق فرمان، متصدیان جلوه های صوتی در استودیو و دستیاران تولید.

### تولید نمایش در رادیو در سه مرحله انجام می گیرد.

**پیش نویس متن نمایش نامه و تنظیم دوباره آن:** این کار را نمایش نامه نویس و کارگردان (تهیه کننده) به کمک هم انجام می دهند. انتخاب بازیگران و تنظیم قراردادها نیز در همین مرحله صورت می گیرد. در اصطلاح سنتی BBC، عنوان شغلی این کار تهیه کننده بود و نه کارگردان، اما همان گونه که جرمی مورتمیر (Jeremy Mortimer) می گوید: «این دو عنوان، دو شغل کاملاً مجزا از هم هستند که به یک شخص واحد گفته می شود».

**تولید در استودیو به همراه بازیگران:** این مرحله پیش از آنکه بازیگران برای تمرین و ضبط به استودیو بروند معمولاً با روخوانی آنها از روی متن نمایش نامه آغاز می شود.

### مرحله پس از تولید که مدیر استودیو و کارگردان عهده دار آن

**هستند:** تدوین نوارها و افزودن صداهای بیشتر به نمایش و آمیزش آنها در این مرحله صورت می گیرد. همچنین آگهی مربوط به نمایش به اندازه زمانی یک دقیقه یا کمتر از آن تهیه می شود. این آگهی در طی هفته پیش از آغاز پخش نمایش، در فواصل میان برنامه های دیگر پخش می شود.

## درباره استودیو

حال گشتی در اتاق استودیو بزنیم. هنگامی که به اتاق استودیو قدم می‌گذاریم، ابتدا متوجه تقسیم مناطق مختلفی در آن می‌شویم که این مناطق محیط‌های صوتی متضادی را فراهم می‌آورند. دیوارها و کف به سطوح گوناگونی تقسیم شده‌اند و روی این سطوح با انواع پوشش‌ها قاب بندی شده است.

بخشی از کف استودیو با الوارهای چوبی و بقیه با موکت فرش شده است. این موکت را می‌توان جمع کرد تا سطح بتونی زیر آن نمایان شود. پوشش‌های گوناگونی با لایه‌های پارچه‌ای و به اشکال افقی روی دیوارها نصب شده‌اند. پرده‌های سنگین دولایه‌ای وجود دارند که می‌توان آنها را وسط استودیو آویزان کرد. همچنین پرده‌های حائل یا پرده‌هایی به شکل پاراوان موجودند که به آسانی بر روی چرخ قابل حرکت‌اند. یک طرف پرده حائل دارای سطحی سخت و منعکس‌کننده صداست (که اصطلاحاً زنده یا روشن نامیده می‌شود) و طرف دیگر آن از پوشش پارچه‌ای کلفتی تشکیل شده است که جاذب صداست (که در اصطلاح مرده خوانده می‌شود). اندازه تقریبی این پرده‌ها دو متر ارتفاع در یک متر پهناست. این اثاثیه، به همراه چارچوب درهای گوناگون و گنجه‌هایی که روی چرخ حرکت می‌کنند، و نیز رشته پلکان، ترکیب مختلفی از اصوات گوناگون را فراهم می‌سازند که به کار با آفرینی انواع فضاهای صوتی در مکان نمایشی می‌آیند.

متخصصان به این وضعیت‌های گوناگون صوتی که در بخش‌های مختلف استودیو ایجاد می‌شود، نام‌هایی از این قبیل داده‌اند: بخش روشن (انعکاس دهنده، یا بازگشت دهنده پژواک‌های صدا)، بخش زنده (که نظیر بخش روشن انعکاس دهنده صداست)، بخش بسته یا جعبه‌ای (سریوشیده، کوچک و انعکاسی) و بخش مرده (جذب‌کننده صدا). استودیوی زنده‌ای که این ویژگی‌ها را داراست، هفت منطقه اصلی را شامل می‌شود.

سطوح گوناگون یا جاذب صدا هستند یا منعکس‌کننده صدا. از ترکیب بخش‌های روشن (زنده)، جعبه‌ای و مرده وضعیت‌های گوناگون صوتی ایجاد می‌شود.

ما هم صداهای مستقیم را می‌شنویم (یعنی امواجی که بی‌واسطه به گوش ما می‌رسند) و هم صداهای غیرمستقیم را (یعنی امواجی که پژواک صداهایی است که پس از برخورد به سطوح مختلف به گوش ما می‌رسند). این صداهای مستقیم و غیرمستقیم به ایجاد وضعیت‌های صوتی کمک می‌کنند.

در استودیوی زنده رشته پلکانی که گاهی تعداد پله‌های آن به ۱۴ عدد نیز می‌رسد وجود دارد. هر پله از سه لایه موکت، چوب و بتون تشکیل شده است. دیدن یا راه رفتن بر روی این سطوح به سمت بالا یا پایین پله‌ها نتایج صوتی گوناگونی را به بار می‌آورد. همچنین یک میزگرد و چند صندلی قرار دارد که تا حدودی به منظور اجرای

نمایش تعبیه شده است، از این میز و صندلی‌ها در هنگام بازخوانی متن نمایش نامه و بحث‌هایی درباره آن نیز استفاده می‌شود. گاهی هم راوی نمایش پشت این میز می‌نشیند.

پنجره طویل دوجداره‌ای که ضد صداست، روی دیوار بین اتاق فرمان و استودیوی زنده تعبیه شده و می‌توان از طریق آن کارگردان و مدیر استودیو را که پشت میز فرمان نشسته‌اند مشاهده کرد. نگاه بازیگران به این پنجره اغلب پرسش‌گرانه است. دستورات کارگردان از طریق میکروفون و بلندگویی که در استودیوست به بازیگران می‌رسد؛ این روش را واگویی می‌نامند. کارگردانان تذکرات خود را بدین ترتیب واگویی می‌کنند، مگر آنکه بخواهند برای گفت‌وگوهای پیچیده‌تر و شاید نیازمند درایت بیشتر وارد استودیو شوند و مستقیماً با بازیگران صحبت کنند. بلندگوهای دیگری را نیز می‌توان در استودیو به کار برد تا از طریق آنها برداشت‌های تازه ضبط شده و مواد صوتی دیگر را از اتاق فرمان برای بازیگران پخش کرد.

هنگامی که به اتاق مرده وارد می‌شوید با یک پیاده روی شنی، که همیشه در آنجا قرار دارد و چند سنگ فرش بزرگ مواجه می‌شوید. اینها برای متصدیان جلوه‌های صوتی تعبیه شده است و برای اجرای نقش در صحنه‌های فضای باز مناسب است. اتاق مرده، از استودیوی زنده کوچک‌تر است و داخل آن با لایه‌هایی عایق بندی شده است. در اتاق مرده انعکاس صدا کم است یا اصلاً وجود ندارد، چون در این اتاق صداها خفه و از طریق همین لایه‌ها جذب می‌شوند. هنگامی که در این اتاق حرف می‌زنید، چون پژواک صدای خود را نمی‌شنوید، صدایی که به گوش‌تان می‌رسد طبیعی نیست. مدیر استودیوی حرف زدن در این اتاق را به «حرف زدن با یک تُشک پُر از پَر» تشبیه می‌کند.

می‌توان واحد نمایش رادیو را به یک کارخانه تولید نمایش رادیویی تشبیه کرد. این تشبیه، دریافت نکات فنی تولید نمایش را آسان‌تر می‌سازد، زیرا بدین ترتیب می‌توانید به ساخت نمایش از دیدگاه فرایند تولید و پخش آن بنگرید. بازیگران و متصدیان جلوه‌های صوتی مستقیماً جلوی میکروفون‌های خود در دو استودیوی (زنده و مرده) کار می‌کنند. نتیجه کار آنها از طریق شبکه‌های صوتی (می‌توانید در تصویر سیم‌های رابط را ببینید) به اتاق فرمان باز می‌گردد. هر شبکه صوتی منبع میکروفون جداگانه‌ای دارد. در اتاق فرمان این صداها و نیز صداهایی که از منابعی نظیر سی‌دی، نوار کاست و گرامافون (منبعی که امروزه کمتر کاربرد دارد) می‌آیند، (معمولاً) به شکل دیجیتال با هم آمیخته می‌شوند.

ممکن است بازیگران در مقابل میکروفون استودیو نقش شخصیت‌هایی را مثلاً در صحنه‌ای در خیابان بازی کنند، اما صدای فضای خیابان در مرحله آخر خط تولید و در اتاق فرمان به نمایش اضافه می‌شود. صدای فضای خیابان باید از گفت‌وگوهای نمایشی





تصویر (۱) بازیگر در حال پایین آمدن از پله هاست در حالی که متخصص جلوه های صوتی به جای شخصیت نمایشی دیگر روی بلوک های سیمانی راه می رود.

فنی بازیگری در رادیوست، نظیر بازی بر روی صحنه تئاتر که بازیگر باید در موقعیت خاصی قرار گیرد تا نورپردازی در آن منطقه تنظیم شود. این کار وقت می برد و باید صبور بود.

نتیجه نهایی تلاش در همه این مراحل و بر روی میز فرمان ضبط دیجیتال (رقمی) به دست می آید و یا اگر ضبط بر روی نوارهای آنالوگ (قیاسی) صورت گرفته باشد، بر روی دستگاه نوارریلی بازپخش می شود و نهایتاً همه برداشت های ضبط شده را بر روی نوار اصلی ضبط می شود. کار دستیاران تولید این است که زمان برداشت های ضبط شده را با ذکر توضیحات مربوط به هر برداشت با برچسب گذاری بر روی آنها مشخص کنند. مرحله پس از تولید مربوط به تدوین پس از تولید به همراه آمیزش صداها و دیگر است. آنگاه نمایش آماده پخش است.

### استریو/مونو و تصویر صوتی

**استریو/مونو:** تولید نمایش در BBC به صورت استریو (دو صوتی) است و به ندرت به شکل مونو (تک صوتی) ضبط می شود. در روش استریو دو میکروفون با عنوان جفت های متقاطع یا استریو به کار برده می شود؛ این دو میکروفون معمولاً روی یک پایه یا دو پایه کنار هم قرار داده می شوند. اما در روش مونو تنها یک میکروفون به کار می رود.

**ایست و حرکت:** ایست (توقف)، موقعیت بازیگر و ایستادن در نقطه ای معین است (اصطلاحی که از بازی در فیلم و تئاتر گرفته شده) و حرکت، موقعیت متحرک بازیگر پیرامون میکروفون است.

مجزا باشد و بازیگران نباید آن را در استودیو بشنوند. برخی از بازیگران شاید بخواهند صدای فضای نمایش را بشنوند و حتی ممکن است این کار به درخواست کارگردان صورت بگیرد، در چنین حالتی بازیگران می توانند صدای خود را در مقابل صدای فضای خیابان در سطحی بالاتر و یا پایین تر تولید کنند. کار فنی اصلی بر روی مسیرهای صوتی مختلف در میز فرمان یا میز آمیزش صدا انجام می شود. در این مرحله دو کار انجام می شود: اول آمیزش صداهایی که از منابع گوناگون می آیند؛ و دوم قرار دادن هر یک از آنها در سطح درست خود و میزان کردن آنها. غالباً صداها فضای بیرونی در مرحله پس از تولید، یعنی در انتهای زنجیره تولید نمایش، اضافه می شود. محصول نهایی این فرایند، تولید نمایشی است که می توان آن را از رادیو پخش کرد.

حال به اتاق فرمان برویم و نگاهی به میز فرمان یا میز آمیزش صدا بیندازیم. ورودی های صوتی که از منابع مختلفی به این اتاق می آیند از هم مجزا هستند، و به شکل شکاف های عمودی بر روی میز فرمان قرار دارند و تعداد آنها گاهی به ۴۰ عدد هم می رسد. دسته های متحرک بالا و پایین بردن صدا که محوکننده صدا (Fader) یا پتانسیل سنج صدا هم خوانده می شوند، روی این شکاف ها قرار می گیرند. برای پخش استریو (دو صوتی) از این محوکننده ها به صورت جفتی استفاده می شود.

محوکننده صدا، صداها و ورودی از منابع صوتی را دریافت می کند (صدار بالا می برد) یا دوباره آن را با می گرداند (صدار اتا حد سکوت کم می کند). بدین ترتیب این اصطلاحات استفاده می شود: بالا رفتن تدریجی (صدار را دریافت و بلند می کند) (Fade in) محو شدن تدریجی (صدار اتا حد سکوت یا «سیاهی» کم می کند) (Fade out)

قطع صدا (Fade down)، هنگامی که محو صدا به یکباره و سریع باید صورت بگیرد.

محوکننده صدا همچنین می تواند در دو حالت روشن (open) و یا خاموش (Shut) باشد. هنگامی که صدا را به سمت سکوت می برید تا به تدریج محو شود، در حقیقت صدا را به سمت سیاهی برده اید؛ هر چند برخی معتقدند که اصطلاح «سیاهی» تلویزیونی است و نه رادیویی. به هر حال وقتی محوکننده صدا روی میز فرمان روشن است، هر چیزی که در مقابل میکروفون گفته می شود، در اتاق فرمان شنیده می شود. به محض آنکه تولید نمایش شروع و صحنه های نمایشی اجرا می شود، سطح صدای بازیگران که از طریق میکروفون ها به اتاق فرمان می رسد، آزمایش و هماهنگ می شود. در این مرحله از کار که اندازه گیری سطح صدا خوانده می شود، بازیگران باید چند سطر از متن نمایش نامه ای را که مربوط به نقش خودشان است به طور آزمایشی بخوانند. گاهی اوقات در این مرحله لازم است که به جزئیات کار پرداخته شود و این یکی از جنبه های

**پس زمینه صوتی:** این پس زمینه در صحنه نمایش وضعیت صوتی یا محیط صوتی و یا فضای صوتی خواننده می شود. این پس زمینه ممکن است صدای رفت و آمد خودروها، صدای جمعیت و یا مثلاً ادراکی باشد که ما از محیط صوتی اتاق نشیمن داریم. حتی سکوت نیز به عنوان پس زمینه صوتی در نمایش رادیویی انواع مختلفی دارد. **عمق صدا (Perspective):** در واقع جایی است که بازیگر قرار می گیرد و به ساختن تصویر صوتی کمک می کند. عمق صدا نشان دهنده دور یا نزدیک بودن به میکروفون است، البته بسته به اینکه سایر بازیگران کجا قرار دارند و داده های صوتی روی میز فرمان چگونه آمیزش می شوند. تولید نمایش هم به شکل استریو و هم به صورت مونو صورت می گیرد. بازیگر در حالت مونو با یک میکروفون و در حالت استریو با دو میکروفون کار می کند.

### تولید نمایش در BBC به شکل استریوست، حتی برای پخش بر روی موج AM یا موج کوتاه که برنامه ها را به صورت مونو پخش می کنند

تولید نمایش در BBC به شکل استریوست، حتی برای پخش بر روی موج AM یا موج کوتاه که برنامه ها را به صورت مونو پخش می کنند. نمایش در شیوه تولید پایه، اکثراً به صورت مونو ضبط می شود.

تفاوت در روش استریو و مونو در شکل تصویر صوتی است که شنونده دریافت می کند؛ اگر به نمایش های رادیو ۴ BBC که بر روی امواج بلند پخش می شود گوش بسپارید، نمایش مونو را دو بُعدی می شنوید یعنی فقط حس می کنید که شخصیت ها چقدر از هم دور یا به هم نزدیک اند. به گونه ای که گویی بازیگران روی یک خط واحد قرار دارند. بنابراین در این روش آنها خیلی به هم نزدیک اند، مثلاً در صحنه های عاطفی یا درون خودرو، یا تا حدودی به هم نزدیک اند مثلاً در اتاق نشیمن، یا خیلی از هم دورند، مثلاً در دو سوی یک مزرعه. برای شنیدن نمایش های مونو داشتن یک بلندگو کافی است. در روش استریو، تصویر صوتی به شکل سه بُعدی ایجاد می شود. شنونده صدای شخصیت ها را از دو بلندگو در دو سمت رادیو می شنود و در منطقه بین دو بلندگو یک صحنه صوتی برای شنونده ایجاد می شود. حرکت شخصیت های نمایشی و تصویر صوتی به شکل سه بُعدی حس می شود، مثلاً کسی از در عقب سمت چپ آشپزخانه وارد می شود و به طرف ظرف شویی در سمت راست صحنه حرکت می کند. ثبات و یکپارچگی این «معماری» در تولید نمایش باید حفظ شود. همچنین می توان صدای خودرو یا هواپیمایی را شنید که از چپ به راست یا از راست به چپ در حرکت است. اگر بخواهیم فنی صحبت کنیم، باید بگویم که پیرامون بلندگوی

استریو، پنج منطقه صوتی وجود دارد که در جایگاه شنونده می توان آنها را حس کرد: راست راست، راست مرکز، مرکز چپ مرکز، چپ مرکز، چپ چپ. هنر این است که بتوان تلفیقی از صدای استریو را خلق و خلأ موجود بین دو بلندگوی استریو را پر کرد. البته باید پذیرفت که شنونده های معدودی، نمایش های رادیویی را در این شرایط آرمانی می شنوند.

با توجه به موقعیت بازیگر پیرامون میکروفون و حالت ایست (توقف) او، بازیگری در دروش ضبط استریو یا مونو تفاوت بسیاری برای او دارد. در حالت مونو تنها لازم است دوری یا نزدیکی به میکروفون را در نظر گرفت. تولید به روش مونو در BBC، تا اواسط دهه ۱۹۷۰، به این معنا بود که بازیگران در دایره ای حرکت می کردند که میکروفون در مرکز آن بود. هر بازیگر از هر نقطه ای پیرامون میکروفون که ۳۶۰ درجه رادبر می گرفت می توانست نزدیک یا وارد شود و بسته به موقعیت دیگر بازیگران در هر جایی می توانست بایستد.

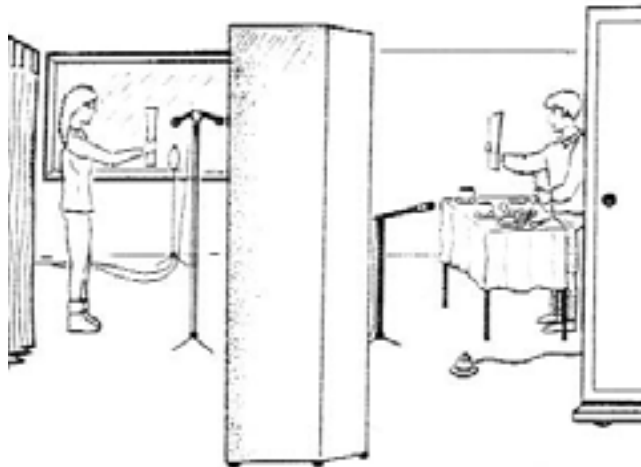
اما در روش استریو، به منظور ایجاد عمق صوتی صحیح، از نظر مکانی باید موقعیت را تنظیم کرد. هم دور و نزدیک را و هم چپ و راست را. مثلاً اگر دو بازیگر در صحنه ای عاطفی بر روی کاناپه به ایفای نقشی می پردازند (برای القای رابطه ای صمیمانه)، باید هر دو به میکروفون نزدیک باشند و در یک نقطه، که احتمالاً نقطه مرکزی است، قرار بگیرند. بازیگر مقابل نباید در سمت راست قرار بگیرد، در حالی که طرف مقابل او در سمت چپ است! اگر در موقعیت ایست بازیگر آشفتگی وجود داشته باشد، شنونده ها دچار شک می شوند، زیرا عمق صوتی ایجاد شده اشتباه است. (شنونده ای که به این علت گیج شود، به بقیه نمایش گوش نخواهد کرد).

### میکروفون و نقطه ایستادن بازیگران

**منطقه:** میکروفون ها منطقه ای دارند که قلمروی کاری آنها محسوب می شود. اگر بازیگر از این منطقه خارج شود، صدایش مبهم یا خیلی ضعیف و از دور شنیده می شود. خروج از این منطقه در روش مونو به مرگ صدا و در روش استریو به ناموزونی صدای بازیگر می انجامد.

**جهت:** بعضی از میکروفون ها به همه سو جهت دارند و منطقه اطرافشان را می پوشانند، و بعضی دیگر به شکل چرخشی یا هشت انگلیسی (8) عمل می کنند که اصطلاحاً میکروفون های پروانه ای (Figure of eight) خوانده می شوند. بیشتر میکروفون ها یک منطقه کاری مختص به خود دارند، مثلاً منطقه میکروفون های جفتی استریو بیشتر به شکل نیم دایره است.

**مرکز:** باید بدانیم که مرکز (طرف جلو) در روش استریو و مونو کجاست. شما در مقام بازیگر، با انواع میکروفون ها کار خواهید کرد، اما مشکلات این کار نباید باعث دلسردی شما بشود. مدیر استودیو منطقه کار میکروفون و مرکز آن را به شما نشان می دهد، و قبل از آنکه



تصویر (۲) بازیگر در مقابل میکروفون جفتی استریو ایستاده است و متخصص جلوه های صوتی پشت پرده مشغول کار است.

آماده شوید به پشت میکروفون بروید، به شما می گوید که چقدر می توانید از میکروفون فاصله بگیرید. به محض آنکه از منطقه میکروفون خارج می شوید، صدایتان آهسته تر و به تدریج محو می شود. قبل از شروع کار، حاشیه مرزی این منطقه به شما نشان داده خواهد شد و بهترین روش، علامت گذاری حاشیه مرزی منطقه میکروفون روی کف استودیوست. اگر یک باره از منطقه میکروفون خارج بشوید، به شنونده چنین القا می شود که شخصیت نمایشی به طور ناگهانی رفته یا ناپدید شده است، یا همان طور که کارگردان ها می گویند گویی در گودالی در کف استودیو افتاده است. بنابراین باید در حرکات دقت کرد؛ به ویژه در حرکاتی که در روش استریو در حاشیه منطقه میکروفون انجام می گیرد.

دو هشدار بسیار مهم:

**هرگز به میکروفون دست نزنید!**

**هرگز به سمت میکروفون فوت نکنید!**

### تشخیص موقعیت بازیگر در ارتباط با میکروفون:

میکروفون طوری رفتار کنید که گویی گوش انسانی است که با او حرف می زنید. هنگامی که صدایتان را پایین می آورید، کمی نزدیک تر بروید. هنگامی که صدایتان را بلند می کنید، به عقب خم شوید، یا سرتان را دور از میکروفون بگیرید و یا آن را به اطراف بگردانید.

برای گفت و گوی نمایشی پشت میکروفون پنج موقعیت وجود دارد. این پنج موقعیت اگر چه به طور معمول به کار گرفته می شوند، ولی معیاری برای همه تولیدات نمایشی نیستند.

موقعیت اول: بازیگر تا آنجا که امکان دارد نزدیک به میکروفون قرار می گیرد، بدون کوچک ترین تغییر شکل و کج شدن. این موقعیت برای اجرای نقش های صمیمانه و بیان اندیشه های ذهنی کاربرد دارد. چون بازیگر خیلی نزدیک به میکروفون است، گاهی سرش را به اطراف میکروفون برمی گرداند و مستقیماً به سمت آن حرف نمی زند، در اینجا است که معمولاً مدیر استودیو به بازیگر توصیه می کند در جهت درست قرار بگیرد.

موقعیت دوم: دهان بازیگر به فاصله نصف یک دست از میکروفون دور است. این حالت برای گفت و گوهای دوستانه، بیان رازهای خصوصی و نیز گره افکنی در طرح داستان نمایش، مثلاً صحنه ای که شخصیت ها مشغول دسیسه چینی هستند و نیز گفتار با خود به کار گرفته می شود.

موقعیت سوم: این حالت برای گفت و گوهای معمولی کاربرد دارد. موقعیت سوم حالتی است که بازیگران اغلب به کار می گیرند. باید به قدر کافی نزدیک میکروفون قرار بگیرید به طوری که اگر دستتان را دراز کنید، میچ دستتان به میکروفون برسد. اگر در گفت و گوی پرحرارتی صدای بازیگر بالا برود، به عقب خم می شود

تا جایی که نوک انگشتانش به میکروفون برسد. اگر صدا از این هم بالاتر برود، در حالت مونو چند سانتی متر دیگر باید به عقب خم شود و در حالت استریو سرش را برگرداند.

موقعیت چهارم: بازیگر در این حالت نسبت به موقعیت سوم از میکروفون بیشتر دور می شود و حرکت می کند. ممکن است به طرف در حرکت کند، یا به سمت قفسه خوراکی ها برود، از پله ها پایین بیاید، یا پنجره را باز کند.

موقعیت پنجم: در این موقعیت بازیگر باز هم از میکروفون دور تر می رود، از پله های استودیو پایین می آید، روی بالکن استودیو یا پشت پرده ای قرار می گیرد. این موقعیت دامنه فعالیت را گسترش می دهد. روش استریو، استودیوی رادیو را به مکانی شلوغ تر با حرکات بیشتر و صحنه های صوتی جالب تر بدل کرده است.

### ساختار صوتی و متصدی جلوه های صوتی

به منظور درک وضعیت صوتی صحیح در هر صحنه نمایشی، متصدیان جلوه های صوتی ساختاری را شکل می دهند. این ساختار بخشی از وضعیت صوتی استودیوست. متخصصان صدا در استودیو این ساختار را با پاراوان ها یا پرده های متحرک، موکت یا الوار روی کف استودیو و آویختن پرده ها ایجاد می کنند. این نوع ساختار صوتی ممکن است برای برخی موارد کافی باشد؛ مثلاً برای اتاق نشیمن، آشپزخانه و راهرو. اما از این موارد که بگذریم، برای صحنه های نمایشی در خیابان، خودرو، کلیسا، یا کارخانه، صدای فضای صوتی در اتاق فرمان به مواد ضبط شده در استودیو اضافه می شود. فناوری دیجیتال به طور فزاینده ای این مسئولیت ها را به عهده می گیرد، و



پردازش یا پرورش صدا محیط های مجازی یا مصنوعی را می آفریند. ایجاد محیط مجازی در حقیقت ایجاد وضعیت صوتی است که صدای بازیگر را در مکان های ویژه مثلاً در بجه تلفن و یا تالار آوبرت هال لندن القا می کند.

بازیگران در این ساختارهای صوتی برای هر صحنه متن نمایش نامه، به صورت جداگانه کار می کنند. ساده ترین شکل ساختار صوتی این است که روبه میکروفون متنی را بخوانند. مشکل برای بازیگر وقتی رخ می نماید که در ساختار صوتی استودیو هیچ راهنمای دیداری برای نشان دادن صحنه های متن نمایش نامه وجود نداشته باشد؛ به عبارت دیگر ساختار صوتی به تصویری که قرار است هنگام پخش نمایش در ذهن مخاطب به وجود آید، شباهتی نداشته باشد. آنچه بازیگر می بیند میکروفون ها، پرده های ثابت و متحرک، لایه های پوششی روی دیوارها و کف استودیوست که با موکت یا الوار چوبی یا بتون فرش شده است، بنابراین او باید تنها به نیروی تخیل خود متکی باشد.

ابزار متصدی جلوه های صوتی عبارتند از: در معروف نمایش رادیویی و پنجره بالارو (آرسی)، و شاید فنجان ها و نعلبکی هایی بر روی یک میز کوچک. صداهای فضای صوتی و صدای بازیگران در صحنه نمایش یا داده های صوتی که از منابعی مثل سی دی، صفحه گرامافون و کاست به دست می آید، در اتاق فرمان و از طریق پردازش دیجیتال آمیخته می شوند؛ اما بازیگری که در حال اجرای نقش است، به ندرت این «لایه» زمینه فضای صوتی را که شامل صدای آمدو شد خودروها، آواز پرنده ها، همه هم جمعیت و ترنم باران است، می شنود. البته گاهی صداهای زمینه صوتی در استودیو پخش می شود تا از طریق میکروفون ها ضبط شود، مثلاً صدای یک برنامه تلویزیونی، یا صدای دستگاه پخش استریوی خانگی و یا اعلام در قطار. اصطلاح فنی برای این کار بازگشت صدا (Foldback) است که از طریق بلندگوهای داخل استودیو صورت می گیرد. همچنین نوع دیگری از صدای زمینه صوتی را بازیگران می شنوند که خنثی (Neutral) نامیده می شود. زیرا این صدا، زمینه صوتی ویژه و مشخصی را ایجاد نمی کند. هشدار دیگری:

**هرگز قطعه ای از ساختار صوتی استودیو را جابه جا نکنید؛ چون جایگاه همه چیز به دقت انتخاب شده است. مراقب باشید که روی سیم ها پا نگذارید.**

### کار با متصدی جلوه های صوتی

متخصصان فنی جلوه های صوتی با ابزار و اثاثیه مربوط به صدا کار می کنند و این کار از آنجایی که نیاز به مهارت در مدیریت زمان دارد، حرفه ای تخصصی محسوب می شود و دستان متخصص جلوه های صوتی برای کار باید آزاد باشد و درگیر متن نمایش نامه نباشد. امروزه بیشتر بازیگران ترجیح می دهند تا آنجا که امکان دارد این جلوه های صوتی را خودشان ایجاد کنند، و متصدیان جلوه های صوتی در کنار

بازیگران به شکلی دوستانه و با همدلی کار می کنند.

برخی از جلوه های صوتی عبارتند از: سروصدای مربوط به فنجان های چای، لیوان ها و بطری های نوشیدنی، دسته کلید، سکه های پول، ورق زدن روزنامه، باز کردن نامه، نوشتن نامه، جوشیدن آب در کتری و درست کردن چای، شست و شو، بریدن تکه های نان، حرکت مهره ها در بازی شطرنج، خرد کردن سبزی، باز و بسته کردن در، به صدا درآمدن زنگ در، قفل کردن در، آویختن پرده ها، صدای قدم های پا (روی جعبه شن) و گام برداشتن روی سطوح مختلف (بلوک های بتونی، الوارهای چوبی، بالا و پایین رفتن از پله ها، در حالی که متصدی جلوه های صوتی کفش های متناسب با نقش شخصیت نمایشی را بر پا دارد)، صدای دستگاه چمن زنی، هرس کردن پرچین ها، دستگاه خشک کن مو، روشن و خاموش کردن رادیو و تلویزیون، ابزارهای فنی، ماشین حروف چینی و صفحه کلید رایانه، صندوق پول در فروشگاه و سروصدای سلاح های جنگی مربوط به دوره های خاص مثلاً در آثار نمایشی شکسپیر یا داستان های تاریخی.

متخصص جلوه های صوتی همچنین لباس ها و کفش های مربوط به نقش شخصیت نمایشی را می پوشد به طوری که شنونده هنگام پخش نمایش از رادیو وجود چنین لباس ها و کفش هایی را (به گونه ای باورپذیر) ادراک کند.

این مسئله را شاید شما هم تصدیق کنید که خلق جلوه های صوتی توسط بازیگر در هنگام اجرای نمایش باعث حواس پرتی او می شود. بنابراین مانند بازیگری در تئاتر و فیلم بیشترین نوع کارها به متخصصان آن محول می شود. عامل دیگری که باعث می شود بازیگران این کار را انجام ندهند این است که بسیاری از جلوه های صوتی در محیط صوتی مختص به خود، ضبط شوند؛ مثلاً بعضی از جلوه های صوتی پشت پرده های متحرک، و با میکروفون های مخصوص و با تنظیم ویژه سطح صدا با توجه به سطح صدای بازیگر ضبط می شوند. برخی از جلوه های صوتی گوش خراش اند و در سطح صوتی بالاتری تولید می شوند و جلوه اولیه آنها همچون «ضربه» یا «کوبش» می نماید (نظیر صدای کوبش پتک، دستگاه های برقی، صدای قطع کردن و یا تکه تکه کردن). اما برخی از جلوه های صوتی را بازیگر خود باید تولید کند تا اصیل تر به نظر برسند، نظیر صدای نوشیدن، خوردن، خفه شدن و بوسیدن. بازیگر در مرحله تمرین اجرای نمایش می آموزد که اگر نقشش دربرگیرنده فعالیت فیزیکی انرژی بر باشد (نظیر شنا، پارو زنی، کوه نوردی، کشتی، جنگیدن، حفاری، سوارکاری، گله داری) خودش برای آن کار پیشقدم شود و جزئیات کار را به متصدیان جلوه های صوتی واگذار نماید.

اگر در مقابل میکروفون مشغول خواندن متن باشید، متصدیان جلوه های صوتی را می بینید که خیلی به شما نزدیک می شوند و

ممکن است مجبور شوند برای راهنمایی شما در انجام دادن حرکات نمایشی، نظیر هل دادن یا کشیدن، با شما تماس مستقیم داشته باشند. آنها برای تولید قطعات جلوه‌های صوتی باید دقیق باشند، مثلاً به جای فنجان نباید از لیوان استفاده کنند و به جای بطری حاوی شیر نباید از بطری حاوی آب استفاده کنند زیرا صدای آنها با هم فرق دارد. همچنین درباره نمایش نامه‌های مربوط به دوره‌های خاص دقت‌های خاصی باید مبذول شود. پرواضح است که آنها صداهای زیادی را می‌توانند از خود بسازند، به این صداها، بدل یا جانشین گفته می‌شود که حتی گاهی تأثیر گذارتر از صداهای واقعی‌اند.

در نمایش رادیویی صداست که مهم است نه واقعیات درون استودیو. هنگامی که در جایگاه شخصیت نمایشی باید چیزی را بنوشید، ممکن است به شما یک نوشیدنی داغ داده شود، باور نکنید یا نکنید، مایعات داغ و سرد صداهای متفاوتی را در گلو می‌سازند. پرونا اسکالز (Prunella Scalles) بازیگر تک‌گوی نمایش **جمعه شکلات** سعی کرده به جای خوردن شکلات، خوراکی دیگری را گاز بزند، چون نمی‌خواست زیادی شکلات بخورد. اما صدایی که بدین ترتیب تولید شده بود باورپذیر نبود و صدای خوردن شکلات را القا نمی‌کرد و او مجبور شد که اجرای نمایش ۳۰ دقیقه‌ای ضبط شده را از سر بگیرد و این بار فقط شکلات بخورد نه چیز دیگر و بدین ترتیب حاصل کارش بسیار موفقیت‌آمیز شد.

## علایم نوری

نور قرمز علامت ضبط و نور سبز علامت شروع است. علایم نوری در همه جای استودیو تعبیه شده‌اند تا برای شروع برداشت‌های نمایشی استفاده شوند. در هر برداشت از علایم نوری متنوعی استفاده می‌شود. در یک صحنه پیچیده نمایشی ممکن است کارگردان علایم جداگانه‌ای را برای راهنمایی این اشخاص به کار ببرد؛ متصدی جلوه‌های صوتی، دو بازیگر نقش‌های اصلی نمایش، سپس گروهی از بازیگران، و متصدی جلوه‌های صوتی دیگر، و یا علایمی به منظور اجرای حرکات نمایشی. علایم نوری بر روی دیوارهای استودیو و نیز در نقاط جدا از هم قرار داده می‌شوند. این علایم شبیه زیرسیگاری‌های پایه‌داری هستند و می‌توان آنها را حرکت داد و در جاهای دیگر تعبیه کرد. بازیگر در مورد هر علامت نوری راهنمایی می‌شود و باید بتواند از نقطه ایست خود در پشت میکروفون این علائم نوری را ببیند، درست همان گونه که فرامین مربوط به خود را بر روی متن نمایش نامه می‌بیند.

## ساختار متن نمایش نامه رادیویی

هنگامی که به یک متن نمایش نامه رادیویی که به صورت حرفه‌ای نگاشته شده می‌نگرید، متوجه می‌شوید که جزئیات همه کارها واضح

و روشن توضیح داده شده و همه مطالب و گفت و گوها شماره گذاری شده‌اند. متن نمایش نامه رادیویی خیلی ساده‌تر از متن نمایش نامه تلویزیونی است. در متن نمایش نامه رادیویی زیر مطالبی که شامل گفت و گوی نمایشی بازیگران نمی‌شود، خط کشیده می‌شود. راهنمایی حالت‌های نمایشی برای بازیگران با حروف ریزتر و به صورت زیر خط داخل کروشه یا پرانتز می‌آید. مثلاً، (با عصبانیت) و یا (باهیجان افزاینده). دستورات تولیدی برای اتاق فرمان یا برای متصدیان جلوه‌های صوتی در متن نمایش این گونه می‌آیند:

### جلوه صوتی: افزایش ناگهانی صدای امواج دریا و مرغان دریایی

این دستورات اغلب زیر خط دار و با حروف درشت‌تر در متن مشخص می‌شوند. گفت و گوی نمایشی مربوط به هر یک از بازیگران و نیز دستورات مربوط به جلوه‌های صوتی از ابتدای صفحه شماره گذاری می‌شوند. این شماره گذاری از ابتدای هر صفحه جدید از سر گرفته می‌شود. این روش به این علت ضروری است که بتوان نکاتی را در هر جای متن نمایش نامه مشخص نمود. مثلاً کارگردان ممکن است بگوید: «دوباره از وسط متن شماره پنج در صفحه ۳۳ شروع می‌کنیم، جایی که بازیگر می‌گوید، بازرس آیا شاهدهی برای این مدعا دارید؟»

باید متن نمایش نامه‌ای را که در دست دارید به هر شکلی که می‌خواهید علامت گذاری کنید. جلوه صوتی در متن نمایش نامه می‌تواند هم مربوط به متصدیان جلوه‌های صوتی در استودیو باشد و هم متصدیان جلوه‌های صوتی که در اتاق فرمان حضور دارند. مثلاً جلوه صوتی مربوط به صدای امواج دریا و مرغ‌های دریایی را می‌توان در اتاق فرمان از روی نوار یا صفحه گرامافون یا سی‌دی اجرا کرد. هنگام خواندن متن نمایش نامه، برای علامت گذاری در متن قلمتان را فراموش نکنید.

### چه باید کرد

اکنون برای گوش دادن حرفه‌ای به نمایش‌های رادیویی اطلاعات کافی را کسب کرده‌اید؛ سعی کنید که از طریق تجهیزات و بلندگوهای مناسب استریو گفت و گوهای نمایشی را با صدای بلند بشنوید؛ مسلم است که نمی‌توان همه نمایش‌های رادیویی را در این شرایط ایده‌آل شنید، اما لازم است که مهارت گوش دادن حرفه‌ای به نمایش‌های رادیویی را در خود پرورش دهید، مهارتی که برای همه دست‌اندرکاران رادیو ضروری است.

منبع:

این مقاله برگرفته از کتاب **بازیگری در رادیو** است که به زودی توسط انتشارات تحقیق و توسعه رادیو منتشر خواهد شد.

